

بررسی وضعیت مولفه های کفایت اجتماعی در طراحی برنامه درسی پایه ششم ابتدایی از منظر معلمان

علی حسینی مهر*^۱، سهیلا زال بیگی^۲

(۱) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

(۲) کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

*نویسنده مسوول: hosseinimehrali@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۱/۳/۱۵ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۱/۵/۴ تاریخ پذیرش مقاله ۹۱/۸/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت مولفه های کفایت اجتماعی در طراحی برنامه ی درسی پایه ی ششم ابتدایی، روش توصیفی - پیمایشی را به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز، به کار گرفته است. جامعه ی آماری پژوهش حاضر، کلیه معلمان پایه ی ششم ابتدایی شهرستان تاکستان به تعداد ۵۰ نفر بوده اند که با روش تمام شماری هر ۵۰ معلم شاغل به تدریس در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به عنوان نمونه ی آماری مورد نظرسنجی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ی کفایت اجتماعی فلنر است که متناسب با اهداف پژوهش بومی و مورد استفاده واقع گردید. روایی محتوایی و روایی سازه ی ابزار اندازه گیری بر اساس قواعد تهیه پرسشنامه و نظر متخصصین مورد تایید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با محاسبه ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از شاخص های آمار توصیفی و آزمون تی تک نمونه ای استفاده گردید. نتیجه ی پژوهش حاضر نشان داد میزان توجه به بعد شناختی، انگیزشی و هیجانی کفایت اجتماعی در برنامه ی درسی پایه ی ششم به صورتی معنی دار در سطح بالاتر از میانگین قرار دارد و میزان توجه به بعد رفتاری کفایت اجتماعی در برنامه ی درسی پایه ششم در سطح معنی داری ۰/۱ پایین تر از میانگین می باشد.

کلید واژه گان: کفایت اجتماعی، مهارت شناختی، مهارت رفتاری، مهارت هیجانی، مهارت انگیزشی، برنامه ی درسی پایه ی ششم.

مقدمه

دهد. از این رو انسان نیازمند برنامه ریزی خاصی است که او را برای غلبه بر تنش ها و مشکلات آماده کند. در جامعه ی امروز کودکان و نوجوانان باید بر دانش ها و مهارت های فراوانی مسلط باشند، آنها را بیاموزند، تمرین کنند، درونی سازند، تا بتوانند به خوبی با چالش های فرا راهشان رویارو شوند. از این رو نیاز به اکتساب کفایت و صلاحیت های متناسب با سن و شرایط فردی و پرورش قابلیت های موجود در افراد به جهت کسب توانایی لازم به منظور طی موفقیت آمیز دوران رشد احساس می شود. کسب مهارت ها، توانایی ها و ظرفیت هایی است که، به فرد در برقراری ارتباط با خود و دیگران کمک می کند.

زندگی امروز به لحاظ وسعت و پیچیدگی تحولات، دگرگونی های سریع اجتماعی، تغییر ساختار خانواده، شبکه ی گسترده و پیچیده ی ارتباطات انسانی، گستردگی و هجوم منابع اطلاعاتی، انسان ها را با چالش های فراوانی روبرو کرده است. این چالش ها از یک سو بر چگونگی زندگی افراد و رفتار های اجتماعی و فردی تاثیر می گذارد و از سوی دیگر نبود مهارت ها و توانایی های عاطفی، روانی، اجتماعی و شناختی با آسیب پذیر کردن افراد در رویارویی با مسائل و مشکلات، آن ها را در معرض اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می

پژوهش های زیادی اهمیت آموزش کفایت اجتماعی را نشان می دهند که از جمله می توان به مطالعه ی به پژوه و همکاران (۱۳۸۶) اشاره کرد که معتقد است رفتار اجتماعی و رفتار تحصیلی به هم وابسته هستند، نتایج پژوهش هایی واحدی و فطحی آذر (۱۳۸۵) تاثیر آموزش مهارت های کفایت اجتماعی را در کاهش پرخاشگری کودکان، و پژوهش های حیدری پور و همکارانش (۱۳۹۱) تاثیر آموزش مهارت اجتماعی را در افزایش هوش هیجانی نشان می دهد. معتمدی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت های شناختی از جمله مهارت حل مساله مهارت های رفتاری، هیجانی و انگیزشی را بهبود می بخشد. هرچند در مقیاس شناختی تاثیر نداشته است. بر اساس فراتحلیل دنهام و المیدا^۳ (۱۹۸۷) نیز می توان مهارت های اجتماعی را از طریق آموزش ارتقا داد. پژوهش گرشام^۴ (۱۹۸۱) نشان داد که موفقیت در تعاملات اجتماعی نیازمند برخورداری از کفایت اجتماعی است و براساس پژوهش فولر^۵ (۲۰۰۵) مهارت حل مساله می تواند از رفتارهای بزهکارانه بکاهد و بر کفایت اجتماعی بیفزاید. همچنین پژوهش های لین^۶ و همکاران (۲۰۰۴)، آلبرتی و ایمونز^۷ (۲۰۰۱)، گیلمارتین^۸ (۲۰۰۰) تاثیر آموزش مهارت اجتماعی بر کفایت هیجانی و انگیزشی را نشان می دهد.

امروزه نیز کشورهای سراسر جهان در حال تشخیص این نکته اند که، گستره ای وسیع از قابلیت ها و مهارت ها جهت آماده کردن افراد برای آینده ای غیر قابل پیش بینی مورد نیازند. فلذا از وظایف نظام های آموزشی آماده کردن تمام افراد جامعه به ویژه کودکان برای جامعه ی فردا و ایجاد توانایی و شایستگی اجتماعی جهت مقابله با شرایط متغیر زندگی است (جلیلی آبکنار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). از اینرو برنامه ی درسی^۹ مدارس نقش بسیار مهمی

آموزش مهارت های رفتاری، شناختی، هیجانی و مهارت های انگیزشی به فرد کمک می کند تا تصمیم مناسب را در موقعیت های مختلف اتخاذ نماید (پزشک، ۱۳۸۲) و از این طریق گام مثبتی در پیشگیری از ابتلا به بیماری های روانی، آشفتگی های روحی، از هم پاشیدگی خانواده، عدم سازگاری با محیط اجتماعی و ... بردارد.

کفایت اجتماعی^۱ شامل مجموعه مهارت هایی است که اکتساب آنها سبب ارتقای آگاهی اجتماعی افراد می شود. آگاهی ای که بر توانایی درک دیگران و برقراری ارتباط موثر با آنها، مسئولیت پذیری اجتماعی، حفظ آگاهی شخصی و مدیریت کردن روابط تمرکز می کند (یاراحمدیان، ۱۳۹۱: ۲۸۰). به عبارت دیگر کفایت اجتماعی شایستگی و شرایط داشتن مهارت های شناختی، اجتماعی، هیجانی و رفتارهایی است که برای رشد سالم و تطابق با محیط اجتماعی ضروری است (بوتوین و گریفین، ۲۰۰۲). فلنر، لیس و فلیپس^۲ (۱۹۹۰) معتقدند کفایت اجتماعی شامل مهارت های شناختی، مهارت های رفتاری، کفایت های هیجانی و آمایه های انگیزشی می شود. مهارت های شناختی شامل: خزانه اطلاعات و مهارت های پردازش و کسب اطلاعات، توانایی تصمیم گیری، باورهای کارآمد و سبک های اسنادی است. مهارت های رفتاری شامل مذاکره، ایفای نقش، ابراز وجود، مهارت های محاوره ای برای شروع و تداوم تعامل های اجتماعی، مهارت های فراگیری و یادگیری رفتار دوستان با دیگران می باشد و مهارت های هیجانی شامل برقراری روابط مثبت با دیگران و گسترش اعتماد و روابط حمایتی دو جانبه، شناسایی و پاسخ دهی مناسب به علائم هیجانی در تعامل های اجتماعی یا مدیریت استرس را پوشش می دهد. مهارت های انگیزشی نیز بر ساختار ارزشمند فرد، سطح رشد اخلاقی و احساس اثر بخشی و کنترل فرد و در نهایت احساس خود کارآمدی او منطبق است (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹).

مبانی نظری

3Denham&almeida
4gresham
5fuller
6lin
7Alberti& emons
8gilmartin
9Curriculum

1Social competens
2Felner& lease& phillips

را در آموزش و انتقال این مهارت ها به دانش آموزان ایفا می نماید.

از طریق برنامه ی درسی بخش بسیار وسیعی از ارزش ها، رفتارها، دانش ها و مهارت های یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود از این رو کتاب های درسی به خاطر نقش مهمی که در تحقق اهداف آموزشی و پرورشی دارند کانون توجه نظام های آموزشی هستند و تغییرات سریع اجتماعی و نیاز های جدید کودکان و نوجوانان برای غلبه بر مشکلات زندگی حال و آینده، برنامه ریزان را بر آن داشته است که در طراحی برنامه ی درسی اهتمام لازم را داشته و شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیازهای افراد را مورد توجه قرار دهند. از این رو یکی از نیازهای مبرم هر نظام آموزشی، روزآمد و کاربردی کردن محتوای کتاب های درسی است و متون به کار رفته در کتاب، تصاویر و فعالیت های عملی طراحی شده در کتاب های درسی می تواند نقش مهمی در انتقال مهارت های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی داشته باشد. مواجه ساختن دانش آموزان با فرصت های آموزشی که با سود جستن از آنها بتوانند به اموری از قبیل مفهوم پردازی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، برخورد با ابهام ها و مجهولات، شناسایی منابع اطلاعاتی برای حل مسائل و ارزشیابی فعالیت خود پردازند، از نقش های مهم برنامه ی درسی است (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). با گسترش فزاینده فناوری در ابعاد گوناگون زندگی روزمره و پیدایش دگرگونی های سریع و متوالی در مشاغل، حرف، ابزار و وسایل و همچنین اثرهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از دگرگونی های پیاپی، همواره انسان امروز و آینده را با مسائل و معماها و بحران های متوالی مواجه می سازد. تعامل و مقابله با آنها و حفظ تعادل اجتماعی، روحی، شخصیتی و شغلی در این جهان متغیر ایجاب می کند که بیش از پیش در برنامه ی درسی مسائلی گنجانده شود که باعث رشد مهارت های شناختی دانش آموزان گردد (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰). از طرف دیگر قدرت برقراری ارتباط مثبت و سازنده با دیگران،

مورد پذیرش دیگران واقع شدن، توانایی مشارکت در فعالیت های گروهی، مسوولیت پذیری اجتماعی و ایفای نقش در فعالیت های گروهی مستلزم کسب مهارت های رفتاری و اجتماعی است. بر اساس پژوهش پآوری و لوفتینگ (۲۰۰۰) افرادی که مهارت اجتماعی ضعیفی دارند در بین همسالان جذابیت کمتری دارند و مشکلات مداومی را در زندگی تجربه می کنند. بنابراین برنامه ی درسی علاوه بر مهارت های شناختی، مسوولیت پرورش مهارت های ارتباطی و اجتماعی دانش آموزان را نیز بر عهده دارد. پژوهش آلبرت بندورا (۱۹۹۱) نشان می دهد که وقتی فرد مهارت های مورد نیاز برای کنار آمدن با موقعیت معینی را در خود گسترش می دهد احساس خودکارآمدی زیادی در او شکل می گیرد. در چارچوب نظریه ی بندورا خودکارآمدی، حالت شناختی و هیجانی نیرومندی است که در تصمیم گیری فرد برای تلاش و کوشش، تعیین کننده است (فرانکن، ۱۹۹۸: ۵۱۶). وقتی فرد هدف و خود کارآمدی زیادی داشته باشد دست به عمل می زند و تمام تلاش خود را به کار می برد. دست یابی به هدف، به احساس خود رضامندی می انجامد (فرانکن، ۱۹۹۸: ۵۱۷) و این رضامندی و کسب موفقیت در رسیدن به هدف، انگیزه و رغبت درونی او را تقویت می کند. دانش آموزان نیاز دارند که در برخورد با مسائل واقعی از آموخته های خود استفاده نمایند، مورد پذیرش خود و دیگران واقع شوند، احساس خودکارآمدی داشته باشند و انگیزه ی درونی شان افزایش یابد، اما افزایش ترک تحصیل دانش آموزان، رواج بیماری های روانی، آشفتگی های روحی و شیوع افسردگی، پرخاشگری، استرس و گرایش به سمت رفتار های پرخطر همانند فرار از مدرسه، خود کشی، بزهکاری، آسیب های اجتماعی و از هم پاشیدگی خانواده هر کدام نشانگر عدم کارآمدی آموزش های مدرسه ای و عدم مطابقت آن با نیاز های دانش آموزان است. بر این اساس آموزش مهارت های کفایت اجتماعی ضروری به نظر می رسد و لزوم برنامه ریزی جهت اجرای آن اهمیت ویژه ای می یابد. شاید

- آشنایی با تأثیر کار و تلاش در پیشرفت کشور، مشاغل و فرایندهای اقتصادی در محیط زندگی.
- توانایی به کارگیری مهارت های اصلی زبان و خواندن و نوشتن متون زبان فارسی.
- توانایی به کارگیری مفاهیم و مهارت های پایه ی ریاضی در حل مسائل روزمره ی زندگی.
- نگرش ها و مهارت های پایه در خلق آثار فرهنگی هنری با رویکرد تربیت هنری.
- شناخت و کاربرد روش ها، مواد و ابزارهای علمی و فناورانه در یادگیری و زندگی روزمره (راهنمای عمل ۱۳۹۰: ۲۳-۳۱).

حال با توجه به تغییرات انجام شده در برنامه ی درسی و نیز تالیف کتاب های جدیدالتالیف پایه ی ششم باید دید برنامه ی درسی این پایه تا چه اندازه دانش آموزان را برای چالش های قرنیه که در آن زندگی می کنند آماده می کند؟ چرا که برنامه ی درسی این پایه در کوتاه ترین زمان طراحی گردید و اعتراضات بسیاری از جانب دانش آموزان، معلمان و اولیا نسبت به ارائه محتوای آن بدون وجود پیش نیازهای لازم و هماهنگ نبودن محتوای آن با اندوخته های قبلی دانش آموزانی که در سال های اول و دوم ایجاد این پایه قرار دارند را بر انگیخت، فلذا با توجه به این که یکی از اهداف استقرار پایه ی ششم آماده کردن دانش آموزان برای ورود به زندگی اجتماعی پس از پایان دوره ی ابتدایی است و لزوماً می بایست مهارت های کفایت اجتماعی را دارا باشند و نیز کمبود تحقیقات انجام شده ی مشابه در این زمینه محقق قصد دارد تا میزان پاسخگویی برنامه ی درسی پایه ی مذکور را در ایجاد و تقویت کفایت اجتماعی در دانش آموزان مورد بررسی قرار دهد و از این رو، به پیمایش نظر این معلمان در خصوص سوال زیر پرداخته است:

" از نظر معلمان پایه ششم تا چه اندازه در طراحی برنامه ی درسی این پایه به پرورش مهارت های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی توجه شده است؟"

بتوان گفت تغییر ساختار نظام آموزشی کشور ایران و نیز تغییر کتاب های درسی به نوعی در صدد بوده است تا مهارت ها و توانمندی های دانش آموزان را علی الخصوص در دوره ی ابتدایی ارتقا بخشد. در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ نظام آموزشی کشور با هدف افزایش اثر بخشی و کارایی نظام آموزش پرورش، ایجاد هماهنگی و همخوانی ساختار با مراحل رشد و یادگیری، افزایش طول مدت آموزش اجباری، کمک به ماندگاری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی و کاهش ترک تحصیل، به دو دوره ی ابتدایی و متوسطه تغییر یافت (راهنمای عمل، ۱۳۹۰). به دنبال آن تغییر کتاب های درسی آغاز شد با تغییر برنامه ی درسی در واقع نظام آموزشی در تلاش است تا با طراحی و تدوین برنامه ی درسی مشخص انواع مختلف دانش و مهارت ها را به دانش آموزان انتقال دهد و آنها را برای برعهده گرفتن نقش ها و مسئولیت هایشان در زندگی واقعی و متناسب با شرایط کنونی آماده سازد.

تالیف کتاب های درسی پایه ششم نیز در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به منظور دستیابی به اهداف کلی این پایه که شامل: "تکمیل، تعمیق و تثبیت اهداف مصوب دوره ی ابتدایی متناسب با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همسو با برنامه ی درسی ملی و تربیت همه جانبه ی دانش آموزان در راستای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه متناسب با موقعیت ها و نیاز های جدید و پاسخ به اقتضات آن و کسب آداب و مهارت های ضروری برای ورود به دوره ی تحصیلی بعدی و تامین زندگی" بود صورت گرفت.

اهداف برنامه ی درسی پایه ششم موارد زیر را در بر می گیرد:

- تربیت عقلانی و تقویت تفکر و تعقل.
- تعمیق باور به ارزشمندی نهاد خانواده، وطن، فرهنگ و هویت اسلامی-ایرانی و ارج نهادن به میراث فرهنگی، قانون، صداقت و پاکی.
- آشنایی با آداب و مهارت های زندگی و به کارگیری آن ها.

روش تحقیق

متخصصین مورد تایید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با محاسبه ی ضریب آلفای کرونباخ ۸۴٪ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده های پژوهش، شاخص های آمار توصیفی و آزمون تی تک نمونه ای به کار برده شد.

این پژوهش به لحاظ ماهیت و شیوه ی گردآوری داده ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه ی آماری پژوهش را کلیه معلمان دارای ابلاغ رسمی در پایه ی ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در مدارس شهرستان تاکستان به تعداد ۵۰ نفر تشکیل می دهد. بر اساس روش تمام شماری کلیه ی جامعه ی آماری به عنوان نمونه ی آماری تعیین گردیدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ی کفایت اجتماعی فلنر است که متناسب با اهداف پژوهش بومی و مورد استفاده واقع شد. روایی محتوایی و سازه ی ابزار اندازه گیری بر اساس قواعد تهیه پرسشنامه و نظر

یافته های پژوهش

داده های به دست آمده از اجرای پرسشنامه، ویژگی های نمونه ی آماری را از نظر جنسیت، سن، سابقه کاری و تحصیلات نشان می دهد (جدول شماره ۱).

جدول ۱. سیمای پاسخگویان

ویژگی نمونه	یافته ها		
سن	۲ نفر، زیر ۳۰ سال	۱۶ نفر، بین ۳۱-۳۵ سال	۱۱ نفر، بین ۴۱-۴۵ سال
سابقه کاری	۱۵ نفر، زیر ۱۰ سال	۳ نفر، بین ۱۱-۱۵ سال	۲۱ نفر، ۲۵-۲۱
تحصیلات	۱۴ نفر، فوق دیپلم	۲۲ نفر، لیسانس	۴ نفر، فوق لیسانس
جنسیت	۳۱ نفر، زن	۱۹ نفر، مرد	

جدول ۲. شاخص های توصیفی متغیر های کفایت اجتماعی

بُعد	میانگین	انحراف معیار	واریانس
مهارت شناختی	۵۵/۳۴	۸/۱۵	۶۶/۵۱
مهارت رفتاری	۴۳/۹۲	۸/۷۵	۷۶/۶۴
مهارت هیجانی	۴۰/۹۴	۷/۲۷	۵۲/۹۹
مهارت انگیزشی	۳۷/۷۶	۶/۴۰	۴۱/۰۰

جدول ۳. نتایج تحلیل تی تک نمونه ای برای بررسی ابعاد کفایت اجتماعی

بُعد	میانگین نمونه	میانگین نظری	تفاوت	انحراف معیار	T	درجه آزادی	معنی داری
شناختی	۵۵/۳۴	۴۸	۷/۳۴	۱/۱۵	۶/۳۶	۴۹	۰/۰۰۱
رفتاری	۴۳/۹۲	۴۹	-۵/۰۸	۱/۲۳	-۴/۱۰۳	۴۹	۰/۰۰۱
هیجانی	۴۰/۹۴	۳۸	۲/۹۴	۱/۰۲	۲/۸۵	۴۹	۰/۰۰۰۶
انگیزشی	۳۷/۷۶	۳۲	۵/۷۶	۰/۹۰	۶/۳۶	۴۹	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش از نظر معلمان، در کتاب های درسی پایه ی ششم بیشترین توجه به بعد انگیزشی و شناختی و کمترین توجه به بعد رفتاری معطوف شده است. بعد هیجانی نیز به اندازه ی کافی مورد توجه واقع شده ولی این میزان در مقایسه با بعد شناختی و انگیزشی نسبتاً کمتر است. پژوهش های زیادی تاثیر مهارت های شناختی بر کفایت اجتماعی را تایید می کنند، در این راستا می توان به پژوهش کهرازی، آزاد فلاح و الهیاری (۱۳۸۲) اشاره کرد که اثربخشی آموزش مهارت های حل مسئله بر کفایت هیجانی از جمله کاهش افسردگی دانش آموزان را نشان می دهد. از نظر به پژوه و همکاران (۱۳۸۶) کفایت اجتماعی برای موفقیت تحصیلی دانش آموزان مهم است و نقش حایز اهمیتی در اجتناب یا بازداری واکنش های منفی دیگران ایفا می کند. علاوه بر آن رفتار اجتماعی و رفتار تحصیلی آن چنان به هم وابسته هستند که تقویت فعالیت های تحصیلی بدون تقویت آن دسته از رفتارهای اجتماعی که فعالیت اجتماعی را ممکن می سازد امری مشکل است. از طرفی پژوهش ترنر، مک دونالد و سامرست^۱ (۲۰۰۸) نیز بین مهارت های زندگی و پرورش تفکر انتقادی و استدلال ریاضی رابطه معناداری را به وضوح نشان می دهد. و این نتیجه حاکی از آن است که آموزش مهارت های زندگی که در نتیجه ی آن کفایت اجتماعی افراد ارتقا می یابد در حوزه برنامه ی درسی نیز می تواند مهارت شناختی دانش آموزان را ارتقا دهد. نتیجه ی تحقیق معتمدی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده است آموزش کفایت اجتماعی در خرده آزمون های رفتاری، هیجانی و انگیزشی تاثیر گذار بوده است اما در خرده مقیاس شناختی تاثیر معنی داری مشاهده نشده است که این نتیجه مغایر با نتایج تحقیقات دیگر در این زمینه است. براساس پژوهش فولر (۲۰۰۵) آموزش حل مساله می تواند از رفتارهای بزهکارانه بکاهد و کفایت اجتماعی را افزایش دهد. با استفاده از رویکرد حل مساله، دانش و

به منظور بررسی متغیرها، توزیع فراوانی هر یک از مولفه های کفایت اجتماعی ترسیم سپس شاخص های توصیفی محاسبه گردید و نتایج زیر به دست آمد (جدول شماره ۲).

نتایج تجزیه و تحلیل آماری تی تک نمونه ای با توجه به سوال پژوهش نتایج زیر را در بر داشت (جدول شماره ۳).

سوال: از دیدگاه معلمان پایه ی ششم به چه میزان در طراحی برنامه ی درسی این پایه به پرورش مهارت های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی توجه شده است؟ براساس نتایج تجزیه و تحلیل آماری در رابطه با بعد شناختی، مقدار تی محاسبه شده از مقایسه ی میانگین نمرات با میانگین نظری، برابر $6/36$ است که با درجه آزادی ۴۹ در سطح $0/01$ معنی دار است. به عبارتی می توان گفت که میزان توجه به بعد شناختی کفایت اجتماعی در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد. در رابطه با بعد مهارت رفتاری، مقدار تی محاسبه شده از مقایسه میانگین نمرات با میانگین نظری، برابر $4/103$ است که با درجه آزادی ۴۹ در سطح $0/01$ معنی دار است. بنابراین میزان توجه به بعد رفتاری کفایت اجتماعی در برنامه ی درسی پایه ی ششم در سطح پایین تر از متوسط می باشد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها در ارتباط با بعد مهارت هیجانی نشان می دهد مقدار تی محاسبه شده از مقایسه میانگین نمرات با میانگین نظری برابر $2/85$ است که با درجه آزادی ۴۹ در سطح $0/01$ معنی دار است. که این نتیجه میزان توجه به بعد هیجانی کفایت اجتماعی را در سطح نسبتاً بالاتر از متوسط نشان می دهد. مقدار تی محاسبه شده از مقایسه میانگین نمرات با میانگین نظری در بعد انگیزشی کفایت اجتماعی، برابر $6/36$ است که با درجه آزادی ۴۹ در سطح $0/01$ معنی دار است. به معنای دیگر به بعد انگیزشی کفایت اجتماعی به میزان بالایی توجه شده است.

1 Turner & macdonald & somer

معلومات به عنوان بخشی از فرایند حل مساله به دست می آید. استفاده از برنامه های ی درسی مساله محور نه تنها موجب دست یابی دانش آموزان به مجموعه ای از هدف های ناظر بر رشد عقلانی- از قبیل ادراک صحیح مطلب، مقایسه ی نظریات، درک ارتباط میان مطالب، استنتاج، استدلال و ارزیابی- می گردد، بلکه در زمینه های اجتماعی نیز موجب می شود تا آنان مهارت های فرایند اجتماعی را بیاموزند. حل مساله به صورت گروهی، بستری مناسب برای دست یابی به بسیاری از هدف های ناظر به تربیت اخلاقی مانند مسوولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزش گذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت در بحث و گفتگو خواهد بود (مهر محمدی، ۱۳۸۱، ۲۲۹). برخی از پژوهشگران مهارت اجتماعی و رفتاری را مترادف با سازگاری اجتماعی می دانند و آن را عبارت از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه خاص به گونه ای که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد مطرح می کنند (اسلابی و استرینکام، ۱۹۹۴). با توجه به اهمیت این مهارت دنیام و امید (۱۹۸۷) معتقدند که مهارت های رفتاری و اجتماعی می تواند از طریق مداخلات ارتقا یابد. بیرامی و مرادی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت اجتماعی، جرات مندی و کفایت اجتماعی دانش آموزان را ارتقا می دهد. چرا که بر اساس تحقیق حیدری پور و همکاران آموزش مولفه های رفتاری و اجتماعی، هوش هیجانی دانش آموزان را افزایش داده و افزایش هوش هیجانی نیز ارتقای سلامت روانی افراد را موجب می گردد. گرشام (۱۹۸۱) معتقد است کسانی که رفتار اجتماعی ضعیف دارند وقتی وارد مدرسه می شوند با مشکلاتی نظیر طرد همتاها، مشکلات رفتاری و موفقیت تحصیلی پایین روبرو می شوند. کودکان و بزرگسالان باید مهارت های اجتماعی کافی را در چارچوب فرهنگشان برای حفظ روابط نشان دهند که به آنها در استقلال و موفقیت کمک خواهد کرد. پآوری و

لوفتینگ^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خویش نشان دادند افرادی که مهارت اجتماعی ضعیف دارند در بین همسالان جذابیت کمتری دارند و مشکلات مداومی را در زندگی تجربه می کنند. به طور کلی کودکانی که مورد علاقه همسالان قرار نمی گیرند بیش از معمول ستیزه جو، عصیانگر و نامتعادل بوده و کودکان نادیده گرفته شده یا کمتر شناخته شده، فاقد مهارت های لازم برای پیشگامی و شرکت در روابط اجتماعی هستند. به تجربه ثابت شده است اگر ضعف جلب همسال با مداخله درمان نشود سالها و حتی تا دوران بزرگسالی همچنان ثابت می ماند (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۷۵: ۳۵۳). اینکه در سند تحول بنیادین آموزش پرورش یکی از دلایل ایجاد پایه ی ششم "جلوگیری از ترک تحصیل زود هنگام دانش آموزان در پایه اول راهنمایی به دلیل ماندگاری بیشتر در دوره ی ابتدایی و آموزش مهارت های اساسی زندگی" عنوان شده است اهمیت بعد اجتماعی کفایت اجتماعی را نشان می دهد، ولی علی- رغم این تاکیدها شتابزدگی در تالیف کتاب های این پایه و عدم طراحی درست برنامه ی درسی، پرورش بعد رفتاری را مورد غفلت قرار داده است.

براساس پژوهش کاظمی، مومنی و کیامرثی (۱۳۹۰) کفایت اجتماعی باعث می شود فرد مسئولیت خود و زندگی اش را در دست گیرد. فرایند خودتوانمند سازی یک روند شدن، پویا و در حال رشد است. برای خود توانمند سازی بیشتر هر فرد به آگاهی، داشتن اهداف مشخص، ارزش ها و اطلاعات نیاز دارد. آموزش مهارت های زندگی باعث احساس کفایت و رشد شناختی و هیجانی دانش آموزان می گردد. همچنین بر اساس نظر فلنر و همکاران (۱۹۹۰) نداشتن کفایت هیجانی و انگیزشی عامل اساسی ناسازگاری و مشکلات انطباقی است. در پژوهش های لین و همکاران (۲۰۰۴)، آلبرتی و ایمنوز (۲۰۰۱)، گیلمارتین (۲۰۰۰) و مطالعات متعدد دیگر ثابت شده است که با آموزش مهارت های اجتماعی

^۱Pavri & lufting

انگیزش در فرد جهت انجام اعمال مورد نظر باید به عنوان هدف مهم در کتاب های درسی دانش آموزان گنجانده شود که خوشبختانه از نظر معلمان این پایه کتاب های درسی پایه ششم، در این امر موفق بوده اند. در واقع هنر و جوهر تعلیم و تربیت را باید در ایجاد انگیزه و رغبت درونی برای یادگیری جستجو کرد برنامه های درسی که پرورش مهارت های شناختی را مورد توجه قرار می دهند یادگیری را منوط به برقراری ارتباط با دنیای یادگیرندگان یا علایق و نیازهای ایشان می دانند. مواجه شدن کودک با مسائل واقعی و ایجاد تحیر و شگفتی در او، با تحریک حس کنجکاوی، نیروی محرک درونی برای یادگیری به ارمغان می آورد (مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۸)

از آنجا که بر حسب تعریف، کفایت اجتماعی شامل مجموعه مهارت هایی است که اکتساب آنها سبب ارتقای آگاهی اجتماعی افراد و نیز کفایت اجتماعی، شایستگی و داشتن مهارت های شناختی، اجتماعی، هیجانی و رفتارهای سازگار با محیط اجتماعی (یار احمدیان، ۱۳۹۱: ۲۸۰) و از طرفی توانایی عملکرد انسان در اجرای استقلال شخصی و مسئولیت پذیری اجتماعی است (فلنر و همکاران، ۱۹۹۰)، لذا پرداختن به کفایت اجتماعی و همه مولفه های آن در کتاب های درسی، مخصوصا در کتاب های درسی دوره ی پایان ابتدایی که شخصیت اجتماعی دانش آموزان شکل می گیرد از ضروریات است. و همان طور که فلنر می گوید آموزش حوزه های کفایت اجتماعی مانع تعمیم پذیری گسترده ی یک الگوی تبادلی منفی به حوزه های دیگر زندگی است.

فراگیری مهارت های شناختی به عنوان مبنای ضروری و اساسی برای فراگیری سایر مهارت ها می باشد. ولی تنها مجهز بودن فرد به مهارت شناختی شرط موفقیت او در زندگی نمی باشد و لزوما می بایست که از مهارت های رفتاری، هیجانی و انگیزشی نیز به اندازه ی کافی برخوردار باشد و نیز نظر به اینکه شرایط زندگی امروز به لحاظ وسعت و پیچیدگی تحولات، دگرگونی های سریع اجتماعی، تغییر ساختار خانواده، شبکه ی گسترده و

کفایت های هیجانی به ویژه مدیریت استرس قابل افزایش است (رام و راس ۲۰۰۱). پس می توان در قالب برنامه ی درسی مدارس به آموزش این مهارت پرداخت. با وجود اهمیت فراوانی که این مهارت دارد ولی بر اساس نتیجه ی پژوهش حاضر به این مولفه در کتاب های درسی پایه ششم چندان توجه قابل ملاحظه ای صورت نگرفته است. اگر در برنامه ی درسی مدارس، محتوا و فعالیت هایی برای ارتقاء کفایت هیجانی به طور دقیق و صحیح گنجانده شود و دانش آموزان آموزش های لازم را در این زمینه ببینند، بسیاری از رفتار های پرخاشگرانه آنان که همیشه اعتراض اولیای مدارس را بر می انگیزد نیز کاهش می یابد. نتیجه ی پژوهش واحدی و فتیحی آذر (۱۳۸۵) مبنی بر کاهش رفتار های پرخاشگرانه کودکان بعد از شرکت در دوره های آموزشی کفایت اجتماعی دال بر این موضوع می باشد.

همچنین یافته ی پژوهش حاضر حاکی از آن است که از نظر معلمان، بعد انگیزشی کفایت اجتماعی در کتاب های پایه ششم مورد توجه زیادی واقع شده است. مفهوم ضمنی بعد انگیزشی این است که حتی موقعی که فرد توانایی شناختی حل مسئله را دارد تا رفتارهای معینی را برگزیند و ظرفیت نشان دادن رفتارهای برگزیده را نیز دارد و می تواند برانگیختگی هیجانی را نظم بخشد، با این همه اگر اعمال مذکور خوشایند به نظر نرسند و یا چنین تلقی شوند که به نتایج ارزشمند نمی انجامند، فرد در انجام آنها با شکست مواجه می شود (فلنر و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از بیرامی و مرادی، ۱۳۸۵).. براساس پژوهش انجام شده توسط منصوری و بیرامی (۱۳۸۵) آموزش های لازم می تواند کفایت های انگیزشی و خودکار آمدی افراد را افزایش دهد. نتیجه ی پژوهش پزشکی (۱۳۸۲) نیز تاثیر آموزش های مداخله ای را در افزایش کفایت انگیزشی افراد تایید می نماید. حتی با گنجاندن مهارت های زندگی در محتوای کتب درسی نیز بر اساس پژوهش کاظمی، مومنی و کیامرثی (۱۳۹۰) می توان کفایت انگیزشی افراد را ارتقا بخشید. بنابراین ایجاد

آموزش مهارت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دیر آموز. فصلنامه نو آوری های آموزشی. سال نهم. ۳۳.

- بیرامی، منصور و مرادی، علیرضا (۱۳۸۵). تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر کفایت اجتماعی دانش آموزان (مدل فلنر). فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. سال اول. شماره ۴.

- پزشکی، شعله (۱۳۸۲). بررسی میزان اثربخشی راهبردهای مداخله ای شناختی و رفتاری، بر اساس مدل چهاربعدی کفایت اجتماعی فلنر در رفتار سازشی ناتوانان ذهنی خفیف ۱۴ تا ۱۸ سال هم منطقه غرب تهران، رساله ی دکتری روانشناسی عمومی

- جلیلی آبکنار، سمیه (۱۳۸۹). آموزش مهارت های اجتماعی، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۰۴.

- سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۳). برنامه آموزش مهارت های زندگی ترجمه ربابه نوری قاسم آبادی و پروانه محمدخانی (۱۳۷۷)، چاپ اول، تهران، واحد بهداشت و پیشگیری از سوء مصرف مواد، سازمان بهداشت جهانی

- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: آگاه.

- فرانکن، رابرت ای (۱۹۹۸). انگیزش و هیجان، ترجمه ی حسن شمس اسفند آباد، غلامرضا محمودی، سوزان امامی پور، چاپ اول، تهران: نی

- کاظمی، رضا و مومنی، سویل و کیامرثی، آذر (۱۳۹۰)، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی بر رفتار سازشی دانش آموزان کم توان ذهنی، ویژه نامه توانبخشی، شماره ۵، دوره ۱۳: ۵۵.

پیچیده ارتباطات انسانی و گوناگونی، گستردگی و هجوم منابع اطلاعاتی، انسان را با چالش ها و تنش های مختلفی رو به رو کرده است و نبود مهارت ها و توانایی های رفتاری، هیجانی و انگیزشی با آسیب پذیر کردن افراد در رویارویی با مسائل و مشکلات، آن ها را در معرض اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می دهد این مهارت ها بسیار مورد تاکید هستند تا همراه با مهارت شناختی بتوانند فرد را به سرمنزل مقصود برسانند. حال که کتاب های پایه ششم از نظر پرورش مهارت های شناختی مورد توجه هستند و انگیزه ی کافی را نیز در دانش آموزان ایجاد می کنند پس بهتر است زمینه ی لازم برای پرورش مهارت های رفتاری و هیجانی را نیز ایجاد نمایند تا فرد بتواند از مهارت های شناختی خویش استفاده نماید و از هیجانان منفی بکاهد. گرچه انجام پژوهش هایی در راستای همین پژوهش و با نمونه های وسیع تر دیگر و نیز در مرحله ی اجرا و ارزشیابی برنامه ی درسی، می تواند به نوعی میزان توجه به کفایت اجتماعی در برنامه ی درسی را به وضوح نشان دهد.

نتیجه ی کلی این که آموزش می تواند کفایت اجتماعی افراد را منطبق با مدل چهاربعدی کفایت اجتماعی فلنر ارتقا دهد، منطقی است که با سنجش کم و کیف میزان توجه به ابعاد چهارگانه در برنامه درسی، به بهبود آن کمک شود.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس و رضایی جمالویی، حسن و نریمانی، محمد و زاهد بابلان، عادل (۱۳۹۰). مقایسه شایستگی اجتماعی و مولفه های آن در دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری و دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا، مجله ی ناتوانی های یادگیری، دوره ۱، شماره ۱: ۶-۲۳.

- به پژوه، احمد و سلیمانی، منصور و افروز، غلامعلی و لوسانی، مسعود غلامعلی (۱۳۸۶). تاثیر

- کهرازی، فرهاد و آزاد فلاح، پرویز و اللهیاری، عباسعلی (۱۳۸۲). *بررسی اثربخشی آموزش مهارت های حل مسئله در کاهش افسردگی دانش آموزان*، مجله روانشناسی، شماره ۷: ۱۲۷-۱۴۲.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۱). *برنامه درسی پنهان تاکید بر تربیت اجتماعی*، فصل نامه راهبردهای آموزشی، دوره ۲، شماره ۵: ۱۲۶.
- کارتلیج، جی و میلبرن، جی اف (۱۳۷۵). *آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان*، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی
- معتمدی، سید هادی و حاجی، حسین و بیگلریان، اکبر و سلوکلابی، منیژه (۱۳۹۱). *تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر*، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۴: ۱۴.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۸۱). *برنامه ی درسی: نظرگاه ها، رویکرده و چشم اندازها*، چاپ اول، مشهد: استان قدس رضوی.
- میکائیلی منیع، فرزانه و عیسی زادگان، علی و نقوی هرزند، ملیحه (۱۳۹۰). *بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر مدل کفایت اجتماعی فلنر بر بهبود رشد و مهارت های اجتماعی دختران*، فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، سال ششم، شماره ۱: ۲۴.
- واحدی، شهرام و اسکندر، فتحی آذر (۱۳۸۵). *تاثیر آموزش کفایت اجتماعی در کاهش پرخاشگری پسران پیش دبستان*، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هشتم، شماره ۳۱ و ۳۲: ۱۴۰-۱۳۱.
- یاراحمدیان، نسرین (۱۳۹۱). *ارتقای توانمندی فردی- اجتماعی و سلامت عمومی نوجوانان از طریق افزایش کفایت اجتماعی*، مجله علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۶: ۲۷۹-۲۸۸.
- ----- (۱۳۹۰). *راهنمای عمل: مستندات تحول بنیادین در آموزش پرورش*، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. چاپ اول.
- Alberti, RE., Emons, M.L. (2001). *Your perfect eright: assertiveness and equality in your life and relationships, eight ed.* Atascadero, USA: impact publishers.
- Botvin, G. J., & Griffin, K. W. (2004). *Life skills training: empirical findings and Future directions.* The Journal of Primary Prevention. 25, 211-233.
- Denham SA, Almeida MC. *Children's social problem-solving skills, behavioral adjustment, and interventions: A meta-analysis evaluating theory and practice*, Applied developmental Psychology, 1987:391-409.
- Felner, R. D., Lease, A. M., Philips, R. C. (1990). *Social Competence and the Language of Adequacy as a subject Matter for Psychology: A Quadripartite Travel Framework.* In T.P. Gullotta. G. R. Adams, & R Montemayor (Eds), *The Development of Social Competence* (pp. 254-264). Beverly -Hills: Sage
- Fuller, A. (2005). *A Blueprint for the Development of Social Competencies in Schools*
- Gresham, F. M. (1981). *Social kills training with handicapped children.* A reeves River to Edit carom Research , 51, 139-176

- Gilmartin, J. (2000). *Psychodynamic Sources of Resistance Among Student Nurses*. Journal of advanced Nursing. 32, 1533-1541
- Ram, A., Ross, H. S. (2001). *Problem – Solving, Contention, and Struggle*. Child Development. 72, 1710-1722.
- Ruegg. E. (2000). *Social competence transition plans and children with learning disabilities*. oakland university.1
- Slaby, R. & Stringham, P. (1994). *Prevention of peer and community violence: The pediatrician's role*. Pediatrics, 94, 603–616.
- Slaby, R. & Stringham, P. (1994). *Prevention of peer and community violence: The pediatrician's role*. Pediatrics, 94, 603–616.
- Turner, N.E., Macdonald, J., & Somerset, M. (2008). *Life skills, mathematical reasoning and critical thinking : A curriculum for prevention of problem gambling*. Journal of Gambling Studies, 24(3), 367-380

- Pavri, S. & Luftig, R. L. (2000). The social face of inclusive education: are students with
- learning disabilities really included in the classroom? *Preventing School Failure*, 45(1), 8-14.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 3, No. 4, winter 2012, No 12



Journal of Educational
Psychology

Study the Situation of Components of Social Competence in Curriculum Design of Sixth Grade, From the Perspective of Teachers

Hosseini Mehr. Ali¹, Zalbeigi. Soheila²

- 1) Assistant Professor. Department of Philosophy of Education, Islamic Azad University, Takestan Branch, Takestan, Iran
- 2) M.A in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Takestan Branch, Takestan, Iran

*Corresponding author: hosseinimehrali@yahoo.com

Abstract

The principal aim of the present study was review the situation of components of social competence in curriculum Design of sixth grade, from the perspective of teachers. The population and sample were the same and includes all 50 teachers of sixth grade elementary of Takestan city. Research tool was Social Competence Questionnaire of Felner with minor changes in asking method of questions. Face and content validity and reliability of the questionnaire in Cronbach's alpha method were verified. Research method was Descriptive - survey. The results showed that the Cognitive aspect of social competence in the sixth grade textbook is significantly at a lower level than average. The behavior aspect and thriller aspect and emotional aspect of social competence in the sixth grade textbook is non-significantly at a higher level than average.

Key words: Social Competence, Life Skill, Curriculum, Curriculum Design, Curriculum of Sixth Grade.
